

• **تکیه اسلام ناب بر چشمه‌سار زلال معرفت نبوی و علوی**

یکی از عناوین عمده‌ای که امام راحل در جهت تبیین انقلاب شکوهمند اسلامی و هم‌چنین تأسیس نظام اسلامی تأکید می‌کردند این بوده است که این انقلاب شکوهمند متکی بر اسلام ناب و اصیلی است که از چشمه زلال معرفت نبوی و علوی الهام می‌گیرد و نباید هیچ‌گونه دست تعدی، تجاوز و انحراف در این انقلاب راه پیدا کند، زیرا این انقلاب کاملاً به بنیان‌های اصیل و معتقدات رسمی جهان تشیع وابسته است، چون مرحوم امام (ره) باوری اصیل نسبت به ارکان و پایه‌های اساسی دین که ریشه در علوم وحیانی، یعنی قرآن و عترت داشت، بنابراین باور داشت که در این دین حقانیت و صداقت و عدالت نهفته است و هرچه که بیرون از این دین باشد ولو به ظاهر آراسته و پیراسته باشد در عین حال نمی‌تواند، مسیر صحیح را به انسان بنمایاند، تأکید فراوان داشتند تا انقلاب دچار کج‌روی، تحریف و انحراف نشود و مستقیماً بر اساس صراط مستقیم دین حرکت کند.

• **اصالت قرآن و عترت در اندیشه سیاسی الهی امام (ره)**

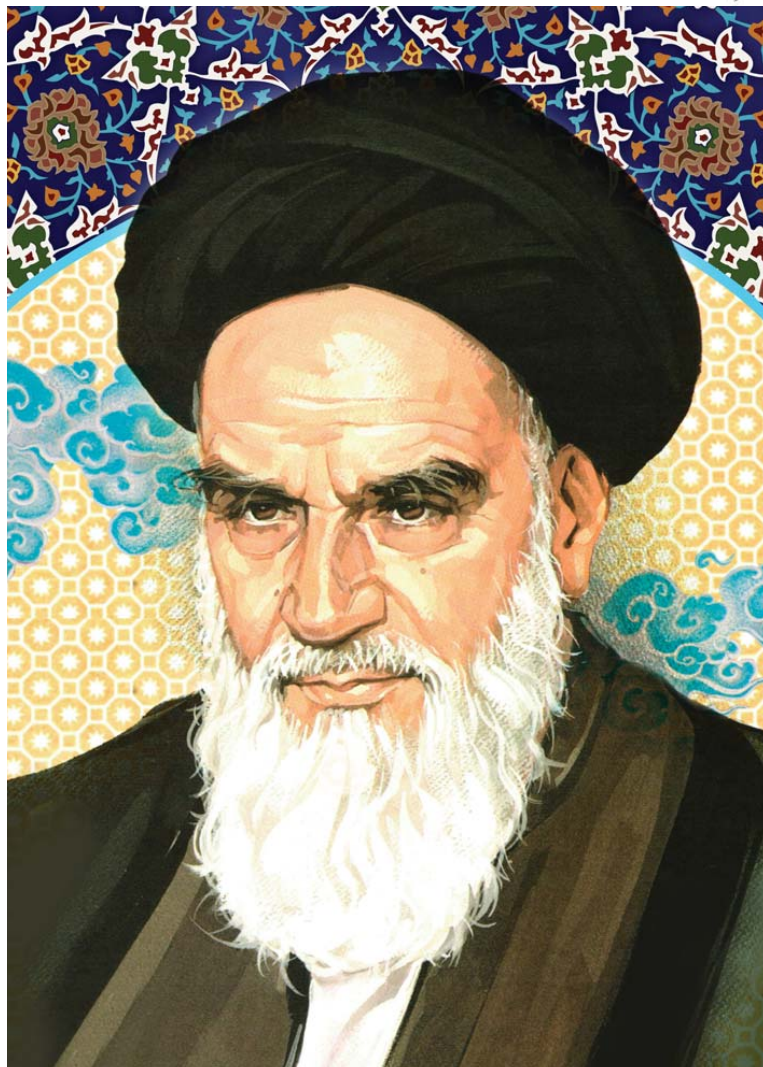
نظام‌ها و انقلاب‌ها بر اساس اساس‌نامه و بنیان‌های شکل یافته از صاحبان آن انقلاب و یا جامعه‌ای که آن نهضت و جنبش را آغاز کرده‌اند، می‌باشند، اما مرحوم امام (ره) خودشان را نسبت به این مسئله وابسته به دین و آموزه‌های وحیانی می‌دانست و هرگز از خود یا دیگران برای این انقلاب هزینه نمی‌کرد، تمام توجهش بر این بود تا آن‌چه که از قرآن و عترت طاهرین به ما رسیده است، اصل باشد.

• **امام (ره) و مقابله با جریان‌های انحرافی**

تمام تلاش امام (ره) این بود که امور غیردین و جریان‌های انحرافی که در گذشته و در زمان انقلاب بودند، موجب تخریب دین و نظام نشوند. این پاسداشت و نگاهداشت با اعتقاد و باور ایشان نسبت به انقلاب بسیار قابل توجه است، چراکه آن‌چه انقلاب‌ها و نظامات سیاسی را تهدید می‌کند، انحراف و تهدیدات جریان‌ها و چپ و راست و انحرافات است که ممکن است از درون صورت پذیرد، امام (ره) این معنا را کاملاً درک کرده بود که جریان‌هایی که به ظاهر از جریانات انقلاب محسوب می‌شدند و خود را اسلامی یا انقلابی می‌دانستند، سعی می‌کردند در انقلاب نفوذ و رسوخ پیدا کنند و برای خودشان جایگاهی را ایجاد کنند. امام (ره) با هوشمندی تمام، حتی قبل از انقلاب، در نجف اشرف جلوی انحرافات را گرفته بود و جریان‌هایی که خود را به ظاهر مجاهد و پشتیبان حرکت‌های مردمی می‌دانستند، یا خود را در ظاهر به نظام خلقی، مردمی و نظام دینی و اسلامی نزدیک می‌کردند و شعارهایی را برگرفته از آیات قرآنی و روایات معصومین داشتند، اما امام با دقت و فراستی که در این رابطه داشت آن‌ها را شناخت و حریم انقلاب و حرکت‌های اصیل و جنبش‌های برخاسته از اندیشه‌های وحیانی خویش را از این دسته جدا کرده بود؛ به‌رغم این‌که برخی از افراد به ظاهر خود را نزدیک می‌دانستند و فکر می‌کردند که این‌ها کمکی برای انقلاب، نظام و جامعه باشند، اما ایشان به شدت از این حرکت‌های انحرافی که به ظاهر چهره‌ای خلقی، مردمی و یا اسلامی، قرآنی و عترتی داشتند، مخالفت می‌کردند و سلامت، اصالت و ناب بودن اندیشه دینی را اصل قرار می‌دادند و آن‌ها را دعوت می‌کردند که از این کج‌روی و تندروی‌های فکری و معرفتی و رفتاری پرهیز داشته باشند. یکی از امتیازات امام راحل (ره) قبل از انقلاب به جهت هوشمندی و فراست، این بود که جریانات را کاملاً می‌شناختند، از آن‌ها دوری می‌کردند و به دوستان خود و دوستان انقلاب و کسانی که در سلک روحانی و یا غیرروحانی بودند، توصیه می‌کردند که از این‌گونه آفت‌ها پرهیز کنند؛ نهضت را دچار چالش تحریف و انحراف نکنند، این بسیار قابل اهمیت بود و حتی کسانی که در گذشته مناسبات دوستانه‌ای را با این طیف از افکار و افراد داشتند، کنار می‌زدند و دوستان خود را به مسیر صحیح هدایت می‌فرمودند.

• **تعریف امام (ره) از اسلام آمریکایی**

در دوران بعد از انقلاب حرکت‌هایی انجام می‌شد که قصد داشتند، چهره‌ای اسلامی از خود نشان دهند، باورهای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌داد. این جریانات احیاناً از حاکمیت‌های طاغوتی و ظالمانه برمی‌خواستند و امام (ره) از مجموع این تفکرات و جریانات به نام اسلام آمریکایی یاد فرمودند. مراد از اسلام آمریکایی اسلام طاغوتی و اسلامی است که حاکم جائز و ظالمان را در هر دوره‌ای به نام اسلام اما با فرض مغلوبه و پوستین وارونه، پوشیده شده ارائه می‌کردند؛ این مسئله بعد از رحلت پیامبر اکرم و از دوره تقیغه آغاز می‌شود و تا دوران مروانیان و بعد عباسیان، در هر دوره‌ای که حاکمان با چهره پوشیدن از ظواهر اسلامی خود را در سلک مسلمانی قرار می‌دادند و برای جامعه اسلامی اظهار دلسوزی می‌کردند اما در باطن حقیقتی دیگر داشتند، حضرت امام (ره) با فراست ایمانی و ذکاوت نهانی خود این جریان را درک کرده و به درستی شناسایی کرده بودند و جامعه و انقلاب را



تبیین بر اسلام ناب محمدی (ص)

در اندیشه امام خمینی (ره)

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی جواد آملی

مراد از اسلام آمریکایی اسلام طاغوتی و اسلامی است که حاکم جائز و ظالمان را در هر دوره‌ای به نام اسلام اما با فرض مغلوبه و پوستین وارونه، پوشیده شده ارائه می‌کردند؛ این مسئله بعد از رحلت پیامبر اکرم و از دوره تقیغه آغاز می‌شود و تا دوران مروانیان و بعد عباسیان، در هر دوره‌ای که حاکمان با چهره پوشیدن از ظواهر اسلامی خود را در سلک مسلمانی قرار می‌دادند و برای جامعه اسلامی اظهار دلسوزی می‌کردند اما در باطن حقیقتی دیگر داشتند، حضرت امام (ره) با فراست ایمانی و ذکاوت نهانی خود این جریان را درک کرده و به درستی شناسایی کرده بودند و جامعه و انقلاب را کاملاً می‌شناختند، از آن‌ها دوری می‌کردند و به دوستان خود و دوستان انقلاب و کسانی که در سلک روحانی و یا غیرروحانی بودند، توصیه می‌کردند که از این‌گونه آفت‌ها پرهیز کنند؛ نهضت را دچار چالش تحریف و انحراف نکنند، این بسیار قابل اهمیت بود و حتی کسانی که در گذشته مناسبات دوستانه‌ای را با این طیف از افکار و افراد داشتند، کنار می‌زدند و دوستان خود را به مسیر صحیح هدایت می‌فرمودند.



از این خطرات نگاه می داشتند و تأکید می فرمودند: این گونه از مسایل نباید در انقلاب و نظام رسوخ داشته باشند. تمام تلاش ایشان این بود که این انقلاب و نهضت الهی را که به تعبیر خودشان انفجار نور و اعجازی عظیم و الهی بود را از تحریف مصون نگه دارند. با یک دست تفکر غربی و با دست دیگر تفکر شرقی را کنار می زدند و جامعه را به جاده مستقیم جمهوری اسلامی رهنمون بودند.

با توجه به موقعیت عظیم جامعه اسلامی و سابقه مهم و حساس و موقعیت خطیری که ایران عزیز در منطقه دارد همواره در مظان تهدید، نفوذ قدرت ها و دشمنان بوده است، ضمن این که از درون هم لغزش ها و اشتباهاتی جامعه را تهدید می کرد.

• نگارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد

یکی از عمده ترین مسایلی که امام خمینی علیه السلام بر آن تأکید و اصرار داشتند این بود که انقلاب به دست ناهلان نیفتد^(۱) و جمهوری اسلامی را منحرفین و کسانی که به ظاهر در کسوت اسلام هستند اما در باطن از حقیقت دین بهره چندانی ندارند، حریم جامعه و نظام را آلوده نکنند. بنابراین از یک سو متحجرین و از سوی دیگر افراد روشنفکری که در قالب اسلام یا خلق و یا توده مردم ظهور برافز داشتند، خطرات عمده ای برای جامعه بودند که در مقابل امام علیه السلام با عنوان اسلام ناب حرکت می کردند و جامعه را به اسلام ناب هدایت می فرمودند.

در این جا مناسب است تا از یک شاهد قرآنی بهره ببریم. قرآن کریم تأکید دارد تا اجازه ندهیم، انسان هایی که اعتقادی به دین ندارند اما ظاهری مسلمان و فریبنده دارند مسیر اسلام را منحرف کنند. خداوند متعال در سوره مبارک «فصلت» بیان می کند که اهل جهنم متوجه می شوند که گروهی آن ها را گمراه کرده و به تباهی کشانده اند و از خدای عالم درخواست می کنند که خدایا به ما بنمایان چه کسانی این انحراف و تحریف را نسبت به ما روا داشتند، ما را از جاده درستی دور داشته و به وادی ضلالت و جهالت کشانده اند تا ما آن ها را تحت اقدامان و در نازل ترین درجه هلاکت و سقوط برسانیم، تعبیر این است که «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ آوَلْنَا مِنَ آلِ إِبْرَاهِيمَ نَجَعَلَهُمُ تَحْتِ أَعْدَائِنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْآسَفِينَ»، (فصلت/ ۲۹) نگرانی و دغدغه ای که امروزه واضح نیست اما بعدها برای اهل دوزخ ایجاد می شود برای این است که در دنیا دقت نکردند، از آمد و شد افراد منحرف و تحریف جلوگیری نکردند، مسیر انحراف و تحریف را به درستی نشناختند و به ناطقی که از شیطان و طاغوت سخن می گفته است، گوش دادند.

• ضرورت تبیین اسلام ناب و صیانت از انقلاب

امام علیه السلام این معنا را به درستی درک کردند که انقلاب نیازمند صیانت و مراقبت است، تا زمانی که نتوانیم اسلام ناب را برای جامعه بدرستی معرفی کنیم و از احاد ملت نخواهیم که مسیر استقامت دینی را در سایه اسلام ناب پی بگیرند همواره این تهدید وجود خواهد داشت و لازم است که جامعه متوجه این نکته باشد که مسیر ما مسیری هموار نیست، بلکه دیگران با ایجاد اختلالات و ناپسامانی هایی در این مسیر در پی سست نمودن پایه ها و ارکان نظام هستند.

بنابراین اگر نخواهیم در یک کلمه اسلام آمریکایی را که امام علیه السلام به شدت از آن پرهیز داشتند و جامعه را به تبری و دورداشت از این تفکر انحرافی فرا می خواندند، شناسیم؛ عبارت است از هر نوع انحراف و تحریفی که از جایگاه جریانات شرقی و غربی بخواهند اسلام و اندیشه اسلام را تهدید کنند.

• اسلام راستین و مقابله با جریانات انحرافی شرقی و غربی

واژه اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی یعنی اسلامی که برخاسته از الهامات وحیانی است و بر اساس نص صریح قرآن، عترت و یا آن چیزی است که مجتهدان و کارشناسان رسمی و اصیل از دین اجتهاد و استنباط نموده اند، باید از چنین اسلامی تبعیت کنیم. بنابراین دشمن گاهی از راه مبارزه مستقیم با دین و گاهی با نفوذ و تسخیر دین و ایجاد جریانات انحرافی در متن دین نظام، جامعه را به چالش می کشد. از این رهگذر ممکن است انحرافات نظام و انقلاب را تهدید کنند که این انحرافات چه از جایگاه شرق و نظامات کمونیستی باشد که به عنوان خدمت به خلق و توده های مردم می آید و چه از جایگاه اسلام



الْإِسْمِ نَجْعَلُهُمُ تَحْتِ أَعْدَائِنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْآسَفِينَ»، (فصلت/ ۲۹). خدایا کسانی که ما را گمراه کردند و به تباهی و انحراف کشاند. به ما بنمایان تا آن ها را زیر پایمان خرد کنیم و انتقام خود را از آن ها بگیریم. جامعه ما امروزه به شدت در معرض چنین آسیبی قرار دارد، با قدرتی که جامعه ما پیدا کرده و جهان هم متوجه این قدرت شده است، از اسلام و جامعه اسلامی دست برنخواهند داشت و همواره برای ضربه زدن و منزوی کردن این قدرت از همه حربه ها استفاده می کنند که این که امروزه شاهد هستیم که تحریم های ناعادلانه ای را به جهت ظلم و جور بر جوامع تحمیل می کنند. ما نیازمندیم با تکیه بر منابع اصیل خود و شخصیت های ممتاز و اسلام شناسی که مستغرق در امر دین هستند و نه کسانی که به ظاهر از دین و مهدویت، عدالت، صداقت و خدمت به جامعه و محرومان سخن می گویند ولی جز ظاهری فریبنده و مکر و نیرنگ چیز دیگری نیست و بنیانی برای آن ها متصور نیست که این که در زمانی که جامعه به دست آن ها بود مسیر انحرافی و ظالمانه را به سرعت می تاخند و توجهی به مظلومیت و محرومیت جامعه نداشتند.

ما باید بر اساس شعاری که امام علیه السلام می دادند که عبارت بود از شعار اسلام ناب و پرهیز از هر نوع طغیانگری که در قالب اسلام آمریکایی ارائه می شود چه جریان تحجری که انحراف را برای جامعه به ارمغان آورده است و چه جریان تفریطی که مسیر جریان آمریکایی را برای جامعه هموار کرده است، اجتناب کنیم، امام از علاقه مندان می خواست که چنین فضایی را برای جامعه با صیانت و ایجاد ملکه عصمت، حفظ کنند.

اسلام سکولاریسم، بیگانه از مسایل حکومتی، اجتماعی، فرهنگی و اسلامی است، منزوی و بی روح و بی جان، اسلامی نبود که امام علیه السلام با آن انقلاب کرد و نظام اجتماعی و سیاسی را تأسیس کرد بلکه اسلامی مبنای حرکت انقلابی امام علیه السلام بود که همواره پویا، بالنده و سازنده است و در متن جامعه قرار دارد و باعث روشنگری است و برای هدایت جامعه از منابع دینی مدد می گیرد، اما اسلامی که با جریان های سکولاریسم همراه است و به اندیشه هایی چون جدایی دین از حکومت می انجامد، بسیار مردود است. اسلام ناب با اسلام انجمادی و اسلام تحجری که از حضور در جامعه و اجتماع و نظم عمومی جامعه بیرون است، فرسنگ ها فاصله دارد.

امروزه انحرافات چپ و راست ابزاری است در اختیار قدرت های استکباری و طاغوت زمان ما که امام علیه السلام نسبت به این معنا هشدار می دادند. جامعه اسلامی می تواند، رفتار و کردار خود را بر اساس بیانات امام علیه السلام تنظیم کند و از این انحراف مصون بماند.

• وصیت نامه امام، نسخه شفا مشکلات جامعه اسلامی

در آستانه سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام هستیم و اگر بخواهیم انقلاب و جامعه ما به عزت ابتدای آن و تا زمان حضور ایشان برگردد، نیازمندیم سخنان امام علیه السلام و آن چه را که برای احیای این نظام و انقلاب در نظر داشتند و در وصیت نامه ها و منشورات متعدد خودشان ابراز کرده اند را اصل قرار بدهیم و اکنون که بار دیگر در آستانه سالگرد ارتحال ایشان هستیم باید این باور را به جامعه برگردانیم که معرفت اصیل نسبت به اسلام و دغدغه داشتن آموزه های وحیانی در متن حکومت عمده ترین مسایلی است که امام علیه السلام به آن تأکید داشتند. اگر نخواهیم جامعه، حکومت، نظام، دولت و ملت را از این قبض و انقباض و انسداد درونی و بیرونی نجات بدهیم باید به سخنان ایشان و آموزه های او برگردیم و وصیت نامه شان را نسخه شفابخش وضعیت امروزی جامعه اعم از وضعیت اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و بین المللی خودمان قرار بدهیم و به دوران درخشان و تابنده ای که امام علیه السلام برای جامعه ما به ارمغان آورد، بازگردیم. کسانی که امام و انقلاب را به درستی شناختند هرگز از این تفکر و اندیشه دست بر نمی دارند.

• پی نوشت

۱. در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد. (صحیفه امام/ ج ۲۱/ ص ۹۳)

واژه اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی
یعنی اسلامی که برخاسته از الهامات وحیانی است و بر اساس نص صریح قرآن، عترت و یا آن چیزی است که مجتهدان و کارشناسان رسمی و اصیل از دین اجتهاد و استنباط نموده اند. باید از چنین اسلامی تبعیت کنیم. بنابراین دشمن گاهی از راه مبارزه مستقیم با دین و گاهی با نفوذ و تسخیر دین و ایجاد جریانات انحرافی در متن دین نظام، جامعه را به چالش می کشد.

روشنفکری که به لحاظ زیست آزادانه یا بیهانه های بشر دوستانه، عدالت و حقوق بشر نظام اسلامی و الهی را به چالش می کشند که تفاوتی با هم ندارند؛ همه این ها مظاهر طاغوتی است که امروزه به نام اسلام آمریکایی مطرح است. امروزه، طاغوت زمان و حاکمیت، ظلم و ستم در دست قدرتی است که جریانات اقماری مانند صهیونیسم و یا انحرافات مانند داعش، طالبان، النهضه و امثال آن را می آفریند تا یکی به زبان شرق و دیگری به زبان غرب، یکی به زبان راست و دیگری به زبان چپ خود را به اسلام نزدیک کرده و انحرافات را برای جامعه ایجاد کنند.

• خطر فاصله گرفتن جامعه از تعالیم اصیل اسلامی

اگر جامعه به دنبال اسلام ناب در همه ابعاد، مانند سیاست، فرهنگ، تربیت جامعه و خانواده خود را به کسانی که با بنیان های اصیل معرفتی دینی آشنا هستند، نزدیک نکند و نخواهد چنین آموزه هایی را از چنین افرادی بگیرد، بدون تردید در دام ظواهر فریبنده دنیا که در خدمت آمریکا و جهان خوارگی او وجود دارد خواهد افتاد و به چالش انحراف، ضلالت و جهالت گرفتار خواهد شد. ممکن است زمانی پیش بیاید که در فضای دوزخ ندا بدهد: «رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ آوَلْنَا مِنَ آلِ إِبْرَاهِيمَ